



«قایق شب رو به طنجه» سومین اثر کوین بری نویسنده برجسته ایرلندی برنده جایزه بین‌المللی دابلین است که در سال ۲۰۱۹ توسط منتشر شد و به‌تازگی ترجمه فارسی آن توسط ندا بهرامی‌نژاد از سوی نشر خوب روانه بازار کتاب شده است. موریس هرن و چارلی ردmond، ضدقهرمان‌های «قایق شب رو به طنجه»، رمان پرפרازونشیپ این نویسنده ایرلندی هستند که هر دو در گذشته قاچاقچی مواد مخدر بودند و اکنون پا به سن گذاشته‌اند و با واقعیت زندگی روبه‌رو شده‌اند، اما همچنان تبهکار هستند. هر دو شخصیت گریزان از مسئولیت‌پذیری اند، دو تن چپاولگر. به نقل از جویس در رمان «اولیس»، آنها دو شریکند که «رفیق جینگ هم هستند و دائماً هم مست». تمام شب موریس و چارلی در بخش انتظار کشتی در بندر اسپانیایی شهر الکزیراس پرسه می‌زنند. آنها امید دارند دختر موریس را – که در شهر غریبه است – پیدا کنند، دختر جوانی که احتمالاً از شهر طنجه برمی‌گردد یا به آنجا می‌رود. شاید هم تالان یکی از همان جاماییکایی‌های سفیدپوست شده است یا شاید هم مرده.

این رمان به مرحله نهایی جایزه بوکر راه یافت و یکی از ده کتاب برتر سال نیویورک تایمز شد. روایت این اثر ادامه داستان «بیتل بون» (۲۰۱۵) است، روایتی به‌یادماندنی و عجیب‌وغریب از سفر جان لنون به جزیره‌ای غیرقابل سکونت در غرب ایرلند. درحقیقت همان جزیره‌ای که لنون در سال ۱۹۶۷ خریده بود. «قایق شب رو به طنجه» همچون «در انتظار گودو» ی‌ساموئل بکت، درباره انتظار است؛ راجع به چیماتمه‌زدن روی زمین و اعتراف به وجود اوضاع. دلیل اینکه داستان «قایق شب رو به طنجه» تا این اندازه موفق بوده، این است که موریس و چارلی همدست‌های خوبی برای هم هستند؛ هر دو داغان و لت‌وپار شده‌اند و البته پرسه‌زن‌هایی شرور. برخوردن به چنین توصیف‌هایی در روایت بسیار معمول است: «انصافاً!خاتپووسی که تو مالگا زاریم بر بدن اصلاً به مزاجم نساخت». «یا اینکه «از سال ۱۹۹۴ تا حالا ریخت خودم هم تواینه ندیدم» و در یک مکالمه بین دو عاشق سالخورده و یک معناد به هرویس که دنیس جانسون به آنها غبطه می‌خورد شنیده می‌شود: «به وسط انگشتان پاهایم شلیک کن و بگو که دوستم داری.» دیالوگ‌های موریس و چارلی خیلی سریع بین یکدیگر ردوبدل می‌شود. با نگاهی به گذشته آنها در روایت اشاره می‌شود که درحال دیدن فیلم «ماهی جنگی» هستند و موریس که بدبین است خود را با تام بوکر، خواننده اصلی رادیو مقایسه می‌کند. چارلی این گروه موسیقی را «حرام زاده‌های پرسروصد» می‌خواند که «هرچقدر بخواهند پول درمی‌آورند و خواننده مثل خری که در گل گیر کرده شبیه می‌کشد.» نمونه‌های شوخی بین شخصیت‌ها بسیار زیاد است. آن دو اشتباهات گذشته را تکرار می‌کنند و به خودشان یادآوری می‌کنند که در قفسی از تصمیمات اشتباهی که سال‌ها پیش گرفته شده زندانی‌اند. زندگی آنها شبیه به متنی است که هر دو متقابلاً آن را تکرار می‌کنند. درست در همان مسیری که اشتباه رفته‌اند پرسه می‌زنند. شاید زندگی مانند چرخیدن تایر روی یخ سیاه است، درحالی‌که آن دو فراموش کرده‌اند چرخ خود را به سمت مسیر برخوردن بچرخاند.

نقل قول آوردن از این اثر دشوار است. بسیاری از جملات شامل اسم و مصدرهای نبشدار و توهین‌آمیزی هستند که ریشه انگلوساکسون دارند، به‌نحوی‌که اگر حذف شوند روایت مقداری از بار معنایی خود را از دست می‌دهد. در روایت کوین بری، هیچ حدومرزی درباره الفاظ یک‌یک وجود ندارد. یک جنبه دیگر این اثر، بخش افراطی بیان احساسات است و گاهی بری به‌طور افراطی این مساله را پیش کشیده. جملات زیادی از این دست به چشم می‌خورد مثل چارلی می‌گوید «مشکلات در من چیره شده‌اند و قطره‌اشکی از گونه احساساتی‌اش راهش را به پایین کج کرد» و «این مکان داد می‌زد که پر از قلب‌های شکسته است» و «علاقه بین من و تو دیگر راهش را به سمت ما کج نمی‌کند.» اما کوین بری نویسنده‌ای بسیار ماهر و باتجربه است که توانسته حدوسط این حجم از احساسات را رعایت کند. او توانسته رمان را ماهرانه به نوشته‌های شاعرانه مزین کند: «چهره مردم شهر مثل ماهی خیلی سریع از جلوی چشم‌ها می‌گذرد»، «سگ وحشی ستاره‌های بی‌شماری را عمو می‌کند»، «دندان‌های بیرون‌زده دختر مانند گراز واقعا که دیدنی بود!» قطعاً ما انسان‌هایی شبیه به موریس و چارلی را تابه حال در زندگی دیده‌ایم؛ آنها مرد‌های جذابی هستند، اما به‌گفته جیم هریسون، بی‌کاروبی هدف‌اند که از تنوع بیش از حد خسته شده‌اند.

آرمان ملی – سمیه امینی‌راد: محمدحسین عابدی دارای دکترای مطالعات ادبی از دانشگاه سیلیمان و در حال حاضر عضو هیات علمی دانشگاه UPHSD است. عنوان پایان‌نامه دکترای او «گوتیک پساستعماری و هویت در آثار نیک خواکین» است و مقالاتی نیز در ژورنال‌های پژوهشی از او به چاپ رسیده‌است. از او تاکنون پنج مجموعه شعر با عناوین «خوان گیود»، «دیگر دلی به دریا نمی‌زنند»، «و تنم بودی»، «تن‌هایی تنیده بر تن‌هایی» و «تحریر این میز» منتشر شده است. او در گفت‌وگوی پیش‌رو، ضمن پرداختن به ویژگی‌ها و مختصات شعر هفتاد، پیشنهادهایی را برای پیروان این جنبش شعری مطرح کرد؛ پیشنهادهایی همچون شعر دیجیتال: «شعر دیجیتال و ادغام عناصر چند رسانه‌ای مانند تصاویر، صدا و اجزای تعاملی می‌تواند لایه‌های جدیدی از معنا را به شعر هفتاد اضافه کند…»

◀ آیا شاعران شعر هفتاد شاعران یک نسل محسوب می‌شوند؟ یعنی هر نسلی می‌تواند در شاعران دهه هفتاد بگنجد؟ آیا از نظر ویژگی‌های شعری متمایز از نسل‌های دیگر نیستند؟

سوال بسیار خوبی است برای شروع. در پاسخ به سوال شما باید به این نکته اشاره کنم که شعر هفتاد را باید از شاعران هفتاد متمایز کرد. در ابتدا باید البته اینگونه فرض کنیم که تلقی من و شما از شعر هفتاد یکی است. به باور من شعر هفتاد مجموعه‌ای مشترک از اصول و رویکردهای زبانی در شعر است، اما شاعران مرتبط با این جنبش همه متعلق به یک نسل نیستند. در عوض، آنها چندین نسل را در بر می‌گیرند و کار آنها می‌تواند از نظر سبک و تمرکز متفاوت باشد. در واقع، اگرچه ویژگی‌های اصلی‌ای وجود دارد که شعر هفتاد را تعریف می‌کند، اما شاعران در شعر هفتاد می‌توانند صداها و دیدگاه‌های متمایز داشته باشند. شعر هفتاد اساساً در اواخر دهه شصت و در طول دهه هفتاد ظهور کرد، اما بر نسل‌های بعدی شاعران تأثیر گذاشته است و حتی تأثیر آن را می‌توان در آثار شاعرانی از دوره‌های شعری قبل‌تر که با ایده‌ها و تکنیک‌های شعر هفتاد درگیر هستند، مشاهده کرد. در حالی که شاعران شعر هفتاد علاقه مشترکی به زبان و مادی بودن آن دارند، سبک‌های فردی و دغدغه‌های موضوعی آنها متفاوت است. برخی از شاعران شعر هفتاد، بر بازی زبانی تأکید دارند، در حالی که برخی دیگر ممکن است بر تفسیر اجتماعی و سیاسی تمرکز کنند. این تنوع درون شعر هفتاد از طرفی هم مانع از دسته‌بندی دقیق همه شاعران آن در یک نسل می‌شود. به عقیده من، تأثیر زبان شعر هفتاد فراتر از شاعران اولیه آن است. هم شاعران نسل‌های بعدی و هم نسل‌های قبلی که هنوز شعر می‌گویند، ویژگی‌هایی از شعر هفتاد را در آثار خود گنجانده‌اند. در حالی که شعر هفتاد دارای برخی ویژگی‌های مشترک با دیگر گروه‌های شعری پیش از خود است، مانند تمرکز به تجربه و شکستن هنجارهای سنتی، ویژگی‌های متمایز خود را نیز دارد. به عنوان مثال، تأکید شعر هفتاد بر زبان و استفاده غیرارجاعی آن از کلمات، آن را از سایر رویکردهای شعری متمایز می‌کند. در یک کلام، درگیر شدن شعر هفتاد با معنا و زیر سؤال بردن قراردادهای زبانی آن را در چشم‌انداز شعر معاصر منحصر به فرد می‌کند. و برای اینکه در پاسخ به سوال شما زیاده‌گویی نکرده باشم مهم‌است که بدانیم جنبش‌های شعری و هنری مقوله‌های سفت و سخت یا ثابتی نیستند. شعر هفتاد هم می‌تواند در طول زمان تکامل یابد و شاعران نسل‌های مختلف ممکن‌است اصول شعر هفتاد را به روش‌های مختلف تفسیر کنند.

◀ تفاوت شاعران دوره‌های مختلف شعر هفتاد در چیست؟

وقتی که درباره شاعران دوره‌های مختلف شعر هفتاد صحبت می‌کنیم باید این را در نظر بگیریم که شاعران نسل اول شعر هفتاد هنوز شعر می‌گویند و هستند. فکر کنم حداقل بخشی از پاسخ این سوال را بیشتر توضیح دادم. در حالی که شعر هفتاد با اصول و رویکردهای مشترک مشخصی نسبت به زبان مشخص می‌شود، شاعران منفرد مرتبط با این جنبش می‌توانند بر اساس تمایلات شعری و شخصی خود، تغییراتی را در سبک، مضامین و راهبردهای شعری به نمایش بگذارند. در اینجا، من برخی از تفاوت‌های بالقوه بین شاعران دوره‌های مختلف شعر زبان را برجسته می‌کنم: در سال‌های اولیه شعر هفتاد، شاعران اغلب بر ساختارشکنی زبانی، با استفاده از پراکندگی، بازی با کلمات، و نحو نامتعارف برای به چالش کشیدن اشکال سنتی بیان تمرکز می‌کردند. آثار آنها را که نگاه کنید مملو از ارجاعات و معانی لایه‌ای است. با پیشرفت شعر هفتاد، شاعران هرکدام به تدریج با صدای متمایز خود ظهور کردند. آنها به آزمایش زبان ادامه دادند، اما اغلب عناصر شخصی و روایی بیشتری را در کار خود گنجانده‌اند. یک جور کاوش شاعرانه همراه با تأمل در امور زندگی روزمره که مرز بین امر شخصی و زبانی را محو می‌کند اما سبکی متمایز به گوینده‌اش و شاعرش هدیه می‌کند. در دوره‌های بعد، همان شاعران و شاعران نوظهور در برخی اشعار خود اصول شعر هفتاد را به شیوه‌های جدید تفسیر کردند. این منجر به توسعه فرم‌های ترکیبی شد که عناصر شعر هفتاد را با دیگر سبک‌های شعری ترکیب می‌کرد. من به دنبال تایید یا رد این تحولات در شعر هفتاد نیستم. حتماً با رها شنیده‌اید و خوانده‌اید که فلان شاعر شعر هفتاد دیگر به اصول شعری خود پایبند نیست. به نظرم با گذشت زمان، برخی شاعران مرتبط با شعر هفتاد عناصری از دیگر جنبش‌های شعری یا مکاتب فکری را در شعر خود بروز دادند. این تأثیر متقابل شاید خوشایند نباشد، اما می‌تواند به آمیزه‌های منحصربه‌فردی از سبک‌ها و رویکردهایی منجر شود که منعکس‌کننده چشم‌انداز در حال تحول شعر معاصر فارسی است.

محمدحسین عابدی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قلمرو دیجیتال و فرصت‌های تازه برای شاعران

◀ شعر هفتاد می‌تواند تکامل پیدا کند...



باید برایم مشخص شود که منظور از وضعیت پست مدرن چیست، اما اگر باز فرض را بر این بگذاریم که من وشما برداشت یکسانی از وضعیت پست مدرن و مدرن داریم، آن وقت می‌توانم بگویم که شعر هفتاد در پی خلق فرم‌هایی متناسب با وضعیتی که شاعرانش در آن نفس می‌کشیدند، رویکردهای نوآورانه مختلفی را در پیش گرفت و در عین حال از برخی هنجارهای سنتی دور شد. بگذارید نگاهی بیاندازیم به آنچه که در زمینه درگیری شعر هفتاد با مدرنیسم و پست مدرنیسم انجام شده: آزمایش زبانی؛ شعرهفتاد به‌طور فعال زبان، نحو، دستور زبان را آزمایش کرد. قراردادهای زبانی را زیر پا گذاشت و اغلب با مادیت خود کلمات بازی می‌کرد. این رویکرد با تأکید پست مدرن بر ساختارشکنی و چندپارگی همسو شد.

◀ردشفافیت: شعر هفتاد مفهوم زبان را به عنوان وسیله‌ای شفاف برای ارتباط رد کرد. در عوض، روش‌هایی را که زبان در آن ساخته می‌شود و می‌توان برای به چالش کشیدن معانی متعارف دستکاری کرد، برجسته ساخت.

◀تأکید بر فرآیند و متن:

شعر زبان اغلب فرآیند نوشتن را برجسته می‌کرد. این با ایده‌های پست مدرن در مورد ماهیت خود ارجاعی متن و اهمیت در نظر گرفتن خود رسانه همسو می‌شود. **◀بینامتنیت:** در برخی موارد هم شعر هفتاد با ارجاع به متون دیگر، اعم از ادبی و غیرادبی، با بینامتنیت درگیر می‌شود. این عمل با مفاهیم پست مدرن از متن به عنوان متونی به هم پیوسته و تحت تأثیر شبکه‌ای از مراجع همسو شد. **◀زبان غیر ارجاعی:** شاعران شعر هفتاد گاهی از زبانی استفاده کردند که لزوماً به ارجاعات خاصی اشاره نمی‌کرد. ترکیب ژانرها: برخی از شعرهای شعر هفتاد عناصری از ژانرهای دیگر مانند فلسفه، زبان شناسی و نظریه فرهنگی را در خود گنجانده است. این هیبریداسیون با آمیختگی پست مدرن ژانرها و گفتمان‌ها همسو می‌شود.

◀ به نظر شما خوب است شاعران نسل جدید از شعر هفتاد پیروی کنند؟ آیا در این بین تجربه‌های دیگرتر و بلوغ تازه‌ای در شعر اتفاق می‌افتد؟

تصمیم شاعران نسل جدید برای پیروی از اصول و رویکردهای شعر زبان بستگی به اهداف هنری فردی، ترجیحات و چشم‌انداز ادبی گسترده‌تر آنها دارد. در حالی که توجه به شعر هفتاد فوایدی دارد، مهم‌است که بدانیم تکامل شعری مستلزم کاوش مداوم تجربیات و ایده‌های جدید است. در اینجا برخی از ملاحظات وجود دارد که به آنها اشاره می‌کنم. درباره فواید پرداختن به شعر هفتا می‌توان مواردی را برشمرد؛ نوآوری؛ تأکید شعر هفتاد بر آزمایش زبانی، نحو نامتعارف و زبان غیر ارجاعی می‌تواند الهام بخش شیوه‌های جدیدی از تفکر در مورد زبان و امکانات آن باشد.

◀مشارکت انتقادی: مطالعه و کار در چارچوب شعر هفتاد می‌تواند تفکر انتقادی را در مورد ماهیت زبان، ارتباطات و بازنمایی پرورش دهد. گسترش افق؛ قرار گرفتن در معرض تکنیک‌های زبانی شعرهفتاد می‌تواند افق‌های شاعران را گسترش دهد و آنها را تشویق کند تا از محدودیت‌های شعر سنتی رهایی یابند.

◀رویکردهای ترکیبی: ادغام اصول شعر هفتاد با سایر سبک‌ها یا جنبش‌ها می‌تواند به ایجاد فرم‌های ترکیبی منجر شود که تنوع ادبی معاصر را منعکس می‌کند.

◀زمینه تاریخی: درگیر شدن با شعر هفتاد، بینش‌هایی را در مورد تحول جنبش‌های شاعرانه و چگونگی پاسخ آنها

به بافت‌های متغیر فرهنگی و اجتماعی ارائه می‌دهد. اما ملاحظاتای هم برای تجربیات جدید وجود دارد که باید به آنها هم اشاره شود

◀کاوش هنری: در حالی که شعر هفتاد تکنیک‌های ارزشمندی را ارائه می‌دهد، شاعران نیز باید سبک‌ها، ژانرها و رویکردهای متنوعی را برای توسعه صدای منحصر به فرد خود کشف کنند

◀زمینه‌های فرهنگی: نسل‌های جدید شاعران ممکن است با تأثیرات اجتماعی و تکنولوژیک متفاوتی روبه‌رو شوند، که منجر به مضامین و فرم‌های جدیدی می‌شود که با مسائل معاصر مرتبط است. نوآوری فراتر از شعر هفتاد؛ شاعران باید مرزهای نوآوری را به‌گونه‌ای پیش ببرند که فراتر از محدودیت‌های یک جنبش مثلاً شعر هفتاد باشد.

اصالت شخصی؛ شاعران باید تلاش کنند تا صدای معتبر خود را بیابند و دیدگاه‌های فردی خود را بیان کنند نه اینکه صرفاً یک سبک خاص را تکرار کنند.

◀تکامل ادبی: ادبیات دائماً در حال تکامل است و نسل‌های جدید این فرصت را دارند که در توسعه جنبش‌های ادبی که بازتاب دوران خودشان است، مشارکت کنند. به‌طور خلاصه، در حالی که تعامل با شعر هفتاد می‌تواند بینش‌ها و تکنیک‌های ارزشمندی را ارائه دهد، شاعران نسل جدید باید کاوش‌های خود را با طیف وسیع‌تری از تجربیات و تأثیرات متعادل کنند. تکامل شعر شامل الهام گرفتن از منابع مختلف، آزمایش با فرم‌های جدید و پاسخ به تغییرات فرهنگی معاصر است. پذیرفتن روح نوآوری و در عین حال اذعان به تاریخ غنی جنبش‌های ادبی می‌تواند به خلق شعری تازه، معنادار و مرتبط به زندگی منجر شود.

◀آیا از تاریخ شعر هفتاد درس گرفتن خوب است یا این امر باعث تکرار و همذات‌پنداری شیوه‌گذشنگان می‌شود یا شعر هفتاد هر روز در حال نو شدن است و مسیر تازه‌ای را طی می‌کند؟

یادگیری از تاریخ شعر زبان می‌تواند برای شاعران ارزشمند باشد، زیرا پایه‌ای برای درک اصول، تکنیک‌ها و کمک‌های شعر هفتاد به ادبیات معاصر فراهم می‌کند. با این حال، ایجاد تعادل بین الهام گرفتن از گذشته و ایجاد مسیرهای جدید بسیار مهم است. شعر هفتاد، مانند هر حرکت هنری، در طول زمان تکامل می‌یابد. این زبان تحت تأثیر نسل‌های جدید شاعران، زمینه‌های فرهنگی در حال تغییر ماهیت و در حال تحول خود است. در حالی‌که شعر هفتاد دارای اصول اساسی است، نوآوری خلاقانه و کاوش در مسیرهای جدید را نیز تشویق می‌کند. پس به نظرم شاعران علاقه‌مند باید به دنبال ارج نهادن به روح شعر هفتاد با پذیرش اصول بنیادین آن باشند و در عین حال اجازه دهند آثارشان بخشی از نوسازی و دگرگونی مداوم شعر باشد. این شامل یافتن راه‌های شخصی برای درگیر شدن با زبان، آزمایش با فرم و کمک به تکامل پویای بیان شاعرانه است.

◀چه میدان تازه‌ای باید در شعر هفتاد اتفاق بیافتد که مشخصات پیش‌رونده و نو داشته باشد؟

سیر تحول شعر هفتاد، مانند هر جنبش هنری، با کاوش مداوم و ظهور جهت‌های جدید مشخص می‌شود. در حالی که پیش‌بینی حوزه‌های جدید دقیقی که در شعر هفتاد توسعه می‌یابد سخت است، در اینجا دوست دارم به برخی از زمینه‌های بالقوه پیشرفت و نوآوری که می‌تواند به رشد شعر هفتاد کمک کند اشاره کنم: مثلاً شعر دیجیتال و ادغام عناصر چند رسانه‌ای مانند تصاویر، صدا و اجزای تعاملی می‌تواند لایه‌های جدیدی از معنا را به شعر هفتاد اضافه کند. قلمرو دیجیتال فرصت‌هایی را برای شاعران فراهم می‌کند تا تجربیات پویا و همه‌جانبه را تجربه کنند. با تمرکز روی مسائل زیست‌محیطی. به نظرم با تکیه بر جنبش اکوپویتیک، شعر هفتاد می‌تواند تلاقی زبان، طبیعت و مسائل زیست‌محیطی را بررسی کند. این می‌تواند شامل تأمل در تأثیر انسان بر جهان طبیعی و کاوش در نقش زبان در انتقال آگاهی اکولوژیکی باشد.

◀اگر قائل به این باشیم که شعر شایسته‌است که بازناب فرهنگ و زبان جامعه خودش باشد، در چند دهه‌ای اخیر آیا دغدغه‌های‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و معیشتی جامعه ایران و روح معترض مدنی، بازنابی در شعر هفتاد داشته‌است؟

یقیناً بله، شعر هفتاد، مانند بسیاری دیگر از نحله‌های شعر معاصر، دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و معیشتی جامعه و نیز روحیه اعتراض مدنی را در خود دارد. در حالی که این جنبش اغلب با آزمایش زبانی و نوآوری همراه است، بسیاری از شاعران هفتاد به مسائل جامعه پرداخته‌اند و مضامین کنشگری اجتماعی را هم در آثار خود گنجانده‌اند.

